



The Mediating Role of Social Support in the Relationship between Attachment Styles and Quality of Life of Betrayed Women: Presenting a Structural Model

Mitra Rezaei¹, Hadi Hashemi Razini^{*2}, Ismail Asadpur³

¹ PhD student in General Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

² Assistant Professor, Department of Psychology Kharazmi University, Tehran, Iran

³ Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational and Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

* Corresponding author: hadihashemi@khu.ac.ir

Received: 2025-05-20

Accepted: 2026-02-22

Publication: 2026-03-01

Abstract

Objective: The present study aimed to examine the mediating role of social support in the relationship between attachment styles and quality of life among women affected by marital infidelity. Additionally, the impact of adverse childhood experiences was assessed as a predictor of quality of life within a structural model.

Method: This descriptive-correlational study employed structural equation modeling (SEM). The statistical population included all women affected by infidelity who referred to counseling centers in District 8 of Tehran in 2024. A total of 300 participants were selected through multi-stage cluster sampling. The instruments used included the WHOQOL-BREF, Adult Attachment Scale (Collins & Read), Phillips Social Support Questionnaire, and the Childhood Trauma Questionnaire (CTQ). Data were analyzed using SPSS and AMOS software.

Findings: The results indicated that adverse childhood experiences and insecure attachment styles had significant negative effects on the quality of life in women affected by infidelity. Furthermore, social support played a significant mediating role in the relationship between attachment styles, childhood adversity, and quality of life. Secure attachment was positively associated with higher social support and better quality of life.

Conclusion: The findings highlight the importance of psychological interventions focusing on attachment restructuring and enhancing social support networks to improve the quality of life among women affected by infidelity. These results provide a foundation for designing both individual and community-based interventions in mental health services.

Keywords: Attachment styles, Adverse childhood experiences, Social support, Quality of life
Structural model

© 2019 Journal of New Approach to Children's Education (JNACE)



This work is published under CC BY-NC 4.0 license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Rezaei, M & et al. (2026). The Mediating Role of Social Support in the Relationship between Attachment Styles and Quality of Life of Betrayed Women: Presenting a Structural Model. *JNACE*, 7(4): 224-232.





نقش واسطه ای حمایت های اجتماعی در رابطه سبک های دلبستگی با کیفیت زندگی زنان خیانت دیده: ارائه یک مدل ساختاری

میترا رضایی^۱، هادی هاشمی رزینی^۲، اسمعیل اسد پور^۳

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی عمومی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ عضو هیات علمی گروه روانشناسی دانشگاه خوارزمی تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: hadihashemi@khu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳ تاریخ چاپ مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه ای حمایت های اجتماعی در رابطه بین سبک های دلبستگی و کیفیت زندگی زنان خیانت دیده انجام شد. همچنین، تأثیر ناملايمات دوران کودکی به عنوان یکی از متغیرهای پیش بینی کننده کیفیت زندگی در مدل ساختاری مورد بررسی قرار گرفت.

روش: روش پژوهش توصیفی-همبستگی از نوع مدل سازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان خیانت دیده مراجعه کننده به مراکز مشاوره منطقه ۸ شهر تهران در سال ۱۴۰۳ بود که از میان آن ها ۳۰۰ نفر با روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده شامل پرسشنامه کیفیت زندگی WHOQOL، پرسشنامه سبک های دلبستگی بزرگسالان (Collins & Read)، پرسشنامه حمایت اجتماعی فیلیپس و پرسشنامه ناملايمات دوران کودکی (CTQ) بود. داده ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج نشان داد ناملايمات دوران کودکی و سبک های دلبستگی ناایمن اثر منفی و معناداری بر کیفیت زندگی زنان خیانت دیده دارند. همچنین، حمایت اجتماعی نقش واسطه ای معناداری در رابطه بین سبک های دلبستگی و ناملايمات دوران کودکی با کیفیت زندگی ایفا می کند. سبک دلبستگی ایمن با حمایت اجتماعی بالاتر و کیفیت زندگی مطلوب تر مرتبط بود.

نتیجه گیری: یافته ها بر اهمیت مداخلات روان شناختی در بازسازی سبک دلبستگی و تقویت شبکه های حمایت اجتماعی برای بهبود کیفیت زندگی زنان خیانت دیده تأکید دارند. این نتایج می توانند مبنایی برای طراحی مداخلات فردی و اجتماعی در حوزه سلامت روان باشند.

واژگان کلیدی: سبک های دلبستگی، ناملايمات دوران کودکی، حمایت اجتماعی، کیفیت زندگی، مدل ساختاری

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه رویکردی نو بر آموزش کودکان محفوظ است.

شیوه استناد به این مقاله: رضایی، میترا؛ هاشمی رزینی، هادی؛ اسد پور، اسمعیل. (۱۴۰۴). نقش واسطه ای حمایت های اجتماعی در رابطه سبک های دلبستگی با کیفیت زندگی زنان خیانت دیده: ارائه یک مدل ساختاری. فصلنامه رویکردی نو بر آموزش کودکان، ۷(۴): ۲۲۴-۲۳۲.

مقدمه

کیفیت زندگی مفهومی چندبعدی و ذهنی است که جنبه های جسمانی، روانی، اجتماعی و محیطی زندگی فرد را دربر می گیرد

و امروزه به یکی از شاخص های کلیدی ارزیابی سلامت عمومی و روان شناختی تبدیل شده است (Haraldstad, Wahl, Andersen, Andersen, Beisland, ... &

حمایت اجتماعی در پیش‌بینی سلامت روان و کیفیت زندگی زنان پرداخته‌اند (خسروی، حیدرینا، نظیفی، ۱۳۹۸).

همچنین، شواهد پژوهشی حاکی از آن است که سبک دلبستگی با میزان دریافت حمایت اجتماعی نیز مرتبط است. افرادی با دلبستگی ایمن تمایل بیشتری به ایجاد روابط حمایتگر دارند، در حالی که افراد با دلبستگی ناایمن اغلب در تعامل با دیگران دچار اختلال بوده و در دریافت حمایت اجتماعی با مشکل مواجه می‌شوند (Bakhtiari ET AL, 2021; Ghiasi et al, 2024).

با وجود اهمیت موضوع، بررسی ترکیبی تأثیر این سه متغیر (سبک دلبستگی، ناملایمات کودکی و حمایت اجتماعی) بر کیفیت زندگی، به‌ویژه در زنان خیانت‌دیده، در پژوهش‌های داخلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است (احمدی و محمودی، ۱۳۹۸). اغلب مطالعات موجود به بررسی اثرات درمانی یا شناخت علل خیانت پرداخته‌اند و پژوهش‌هایی که به ارائه مدل‌های ساختاری و الگوسازی بین متغیرهای روان‌شناختی مرتبط بپردازند، محدود است.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای حمایت‌های اجتماعی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و کیفیت زندگی زنان خیانت‌دیده و با در نظر گرفتن تأثیر ناملایمات دوران کودکی، تلاش دارد تا مدلی ساختاری را در این زمینه تدوین و آزمون کند.

آیا سبک‌های دلبستگی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با نقش واسطه‌ای حمایت‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی زنان خیانت‌دیده تأثیر دارد؟

آیا سبک‌های دلبستگی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر حمایت اجتماعی ادراک‌شده اثر می‌گذارند؟

آیا ناملایمات دوران کودکی به‌طور مستقیم یا با نقش واسطه‌ای حمایت اجتماعی بر کیفیت زندگی زنان خیانت‌دیده مؤثر است؟

آیا حمایت‌های اجتماعی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر کیفیت زندگی زنان خیانت‌دیده اثر دارد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) است. این پژوهش به دنبال ارائه مدلی برای تبیین روابط مستقیم و غیرمستقیم بین سبک‌های دلبستگی و کیفیت زندگی زنان خیانت‌دیده با نقش واسطه‌ای حمایت اجتماعی است. این رویکرد با توجه به ماهیت پیچیده متغیرها و تأکید بر روابط بین‌ساختاری، مناسب‌ترین روش برای پاسخ‌گویی به اهداف تحقیق تلقی می‌شود (Ghiasi et al., 2024; Fincham & May, 2017).

(LIVSFORSK network, 2019). در این میان، کیفیت زندگی زنان در شرایط پرتنش مانند خیانت زناشویی، بیش از دیگران تحت تأثیر عوامل روان‌شناختی و محیطی قرار می‌گیرد (Fincham & May, 2017).

خیانت، یکی از آسیب‌زاترین بحران‌های زناشویی است که با پیامدهایی نظیر افسردگی، کاهش عزت نفس، تعارضات خانوادگی و فروپاشی روابط همراه است (Barraca & Polanski, 2021).

مطالعات نشان داده‌اند که تجربه خیانت نه تنها یک بحران عاطفی بلکه بازنمایی‌کننده الگوهای پیچیده دلبستگی، تجارب زیسته، و ساختارهای حمایتی ناکارآمد است (Ghiasi, Rasool, 2023; Haseli & Feli, 2024; Bozoyan & Schmiedeborg, 2023). از جمله متغیرهای درون‌فردی که می‌تواند با کیفیت زندگی در ارتباط باشد، سبک دلبستگی است. سبک‌های دلبستگی، به‌ویژه انواع ناایمن، از جمله اضطرابی و اجتنابی، می‌توانند موجب شکل‌گیری روابط ناسالم و بی‌ثبات شوند که احتمال بروز خیانت را افزایش داده و کیفیت زندگی را کاهش می‌دهند (Dorasamy & Dorasamy 2019; Bakhtiari, 2021; Hosseini, Arefi & Afsharinia, 2021).

نیز بر رابطه سبک دلبستگی ناایمن با اختلالات زناشویی و رضایت پایین از زندگی تأکید کرده‌اند (بختیاری و همکاران، ۱۴۰۰؛ کرمانی و دوکانه‌ای‌فرد، ۱۳۹۹).

از سوی دیگر، ناملایمات و تجارب آسیب‌زای دوران کودکی، مانند طرد، غفلت یا بدرفتاری جسمی و عاطفی، می‌توانند بنیان‌گذار شکل‌گیری الگوهای دلبستگی ناایمن در بزرگسالی باشند و مسیر زندگی فرد را در جهت کاهش سلامت روان و کیفیت زندگی هدایت کنند (Chapman, Whitfield, Felitti, 2004; Dube, Edwards & Anda, 2004; Downey & Crummy, 2022; Georgieva, Tomas & Navarro-Pérez, 2021). در پژوهش‌های داخلی نیز به رابطه تجارب نامطلوب دوران کودکی با اختلالات هیجانی و روابط ناپایدار در بزرگسالی پرداخته شده است (علوی لواسانی، احمدی طهور سلطانی، ۱۳۹۶؛ عزیزپور، رضاپور میرصالح و متقی، ۱۴۰۱).

در این زمینه، حمایت اجتماعی به‌عنوان یک متغیر محافظتی می‌تواند نقش تعدیل‌کننده یا واسطه‌ای در کاهش آثار منفی سبک‌های دلبستگی و ناملایمات دوران کودکی ایفا کند (Majani, Ghazali, Yoke Yong, Pauzi, Adenan & Manogaran, 2023; Kent, Bradshaw & Uecker, 2018). وجود یک شبکه حمایتی مؤثر از خانواده، دوستان یا جامعه، با افزایش تاب‌آوری و کاهش احساس تنهایی، تأثیر مخرب رویدادهایی مانند خیانت را کاهش داده و کیفیت زندگی افراد را بهبود می‌بخشد (Mahmoudpour, Dehghanpour, 2020; Ifjadi, & Yousefi, 2020; فردوسی، ۱۳۹۸؛ رضادوست، ۱۳۸۸). در همین راستا، پژوهش‌های داخلی نیز به اهمیت

این پرسشنامه دارای ۲۳ گویه و سه زیرمقیاس حمایت خانواده، دوستان و دیگران است. این ابزار با توجه به تعریف کوپ از حمایت اجتماعی تدوین شده و در پژوهش‌های داخلی و خارجی از اعتبار مناسبی برخوردار است (Majani et al, 2023; Mahmoudpour et al., 2020)

روایی و پایایی ابزارها

روایی صوری و محتوایی ابزارها با نظر متخصصان حوزه روان‌شناسی و مشاوره تأیید شد. همچنین، برای سنجش پایایی، ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های پرسشنامه‌ها محاسبه گردید. همه ابزارها از حد نصاب قابل قبول (۰/۷۰ به بالا) برخوردار بودند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری‌شده از طریق نرم‌افزارهای SPSS و AMOS تحلیل شد. در مرحله اول، تحلیل توصیفی برای بررسی مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه انجام گرفت. سپس، از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) برای آزمون روابط علی بین متغیرهای پژوهش استفاده شد. جهت بررسی نقش واسطه‌ای حمایت اجتماعی، از روش بوت‌استرپ در چارچوب مدل میانجی‌گری استفاده شد (Ghiasi et al., 2024; Barraca & Polanski, 2021).

یافته‌ها

به منظور شناخت بهتر جامعه‌ای که در پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری لازم است این داده‌ها توصیف شوند. همچنین توصیف آماری داده‌ها، گامی در جهت تشخیص الگوی حاکم بر آنان و پایه‌ای برای تبیین روابط متغیرهایی است که در پژوهش بکار می‌روند. در این مطالعه ۲۳۰ نفر از زنان خیانت دیده در شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت.

مشخصات جمعیت شناختی زنان خیانت دیده در شهر تهران مورد مطالعه در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. متغیرهای جمعیت شناختی زنان خیانت دیده در شهر تهران (n= ۲۳۰)

متغیر جمعیت شناختی	سطح	تعداد	درصد
سن (سال)	۳۰-۲۰	۵۸	۲۵/۲
	۴۰-۳۰	۱۳۸	۶۰
	۵۰-۴۰	۳۴	۱۴/۸
طول مدت ازدواج (سال)	<۵	۷۱	۳۰/۸
	۱۰-۵	۱۴۰	۶۰/۸

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان خیانت‌دیده مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در منطقه هشت شهر تهران در سال ۱۴۰۳ است. این افراد بر اساس خوداظهاری و تأیید مشاور مبنی بر تجربه خیانت در رابطه زناشویی شناسایی شده‌اند. با توجه به حجم جامعه و براساس دستورالعمل‌های حداقل نمونه برای مدل‌سازی معادلات ساختاری، تعداد ۳۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شد. روش نمونه‌گیری به‌صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد و نمونه نهایی به‌صورت تصادفی از میان مراجعان مراکز مشاوره انتخاب گردید.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه کیفیت زندگی (WHOQOL-BREF)

این ابزار توسط سازمان بهداشت جهانی تدوین شده و یکی از معتبرترین مقیاس‌های بین‌المللی برای سنجش کیفیت زندگی است. این پرسشنامه دارای ۳۶ سؤال و ۴ بُعد اصلی شامل سلامت جسمی، سلامت روانی، روابط اجتماعی و محیط زندگی است. در پژوهش‌های داخلی و خارجی، این پرسشنامه از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار بوده است (Haraldstad et al, 2019;).

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (Collins & Read, 1990)

این مقیاس شامل ۱۸ گویه و سه زیرمقیاس اضطراب، نزدیکی و وابستگی است و برای سنجش سبک‌های دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی در بزرگسالان طراحی شده است. اعتبار این پرسشنامه در مطالعات متعدد تأیید شده و به عنوان ابزاری استاندارد در پژوهش‌های مرتبط با دلبستگی و خیانت مورد استفاده قرار گرفته است (Dorasamy & Dorasamy, 2019; Ghiasi et al, 2024).

پرسشنامه حمایت اجتماعی فیلیپس و همکاران (1986):

متغیر جمعیت شناختی	سطح	تعداد	درصد
سطح تحصیلات	>۱۰	۱۹	۸/۴
	دیپلم	۸۸	۳۸/۲
	فوق دیپلم	۷۲	۳۱/۳
	لیسانس	۶۰	۲۶/۱
	فوق لیسانس و بالاتر	۱۰	۴/۴

اطلاعات توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی) مربوط به متغیرهای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی، حمایت‌های اجتماعی و کیفیت زندگی گزارش شده است.

نتایج نشان می‌دهد، بیشتر زنان خیانت دیده در شهر تهران مورد مطالعه از نظر وضعیت سنی ۱۳۸ نفر (۶۰ درصد) در طیف ۳۰-۴۰ سال، از نظر طول مدت ازدواج ۱۴۰ نفر (۶۰/۸ درصد) ۵-۱۰ سال و از نظر سطح تحصیلات ۸۸ نفر (۳۸/۲ درصد) دیپلم بود.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای پژوهش در زنان خیانت دیده در شهر تهران

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	بیشینه-کمینه	کجی	کشیدگی
سبک دلبستگی ایمن	۱۷/۹۹	۶/۸۱	۶-۲۸	-۰/۰۷	-۱/۱۲
سبک دلبستگی اجتنابی	۱۸/۸۸	۵/۷۳	۱۰-۲۹	۰/۰۴	-۱/۲۴
سبک دلبستگی اضطرابی	۱۷/۳۷	۶/۳۳	۷-۳۰	۰/۳۲	-۱/۰۵
حمایت‌های اجتماعی	۳۴/۱۷	۱۲/۵۹	۱۴-۵۵	۰/۱۰	-۱/۰۴
کیفیت زندگی	۵۱/۸۴	۲۲/۳۹	۱۲-۸۶	-۰/۴۸	-۰/۹۷

بین حمایت‌های اجتماعی با کیفیت زندگی در زنان خیانت دیده شده رابطه مستقیم وجود دارد. جدول ۳ می‌توان ضرایب استاندارد کلیه مسیرها و مقادیر بحرانی را در الگوی پیشنهادی مشاهده کرد.

متغیرهای برون‌زا سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی به ترتیب دارای میانگین و انحراف استاندارد (۱۷/۹۹/۶/۸۱)، (۱۸/۸۸/۵/۷۳) و (۱۷/۳۷/۶/۳۳) می‌باشد. میانگین متغیر میانجی حمایت‌های اجتماعی (۳۴/۱۷) و انحراف استاندارد (۱۲/۵۹) است. میانگین متغیر درون‌زا کیفیت زندگی (۵۱/۸۴) و انحراف استاندارد (۲۲/۳۹) است.

جدول ۳: ضرایب استاندارد مسیرهای الگوی پیشنهادی

مسیر	ضرایب استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	مقدار احتمال (P)
سبک دلبستگی ایمن → کیفیت زندگی	۰/۲۶۰	۰/۲۵	۳/۳۹	<۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اجتنابی → کیفیت زندگی	-۰/۲۶۵	۰/۲۹	-۳/۵۳	<۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اضطرابی → کیفیت زندگی	-۰/۱۷۴	۰/۲۷	-۲/۲۸	۰/۰۲۳
سبک دلبستگی ایمن → حمایت‌های اجتماعی	۰/۲۸۲	۰/۳۳	۴/۰۹	<۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اجتنابی → حمایت‌های اجتماعی	-۰/۳۴۵	۰/۱۷	-۴/۴۴	<۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اضطرابی → حمایت‌های اجتماعی	-۰/۲۱۱	۰/۳۴	-۲/۷۶	۰/۰۰۷
حمایت‌های اجتماعی → کیفیت زندگی	۰/۳۹۳	۰/۱۱	۶/۰۱	<۰/۰۰۱

حمایت‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی در زنان خیانت دیده شده اثر مستقیم دارد و فرضیه پنج تأیید شد.

براساس نتایج مندرج در جدول شماره ۳ ضریب مسیر حمایت‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی در زنان خیانت دیده شده اثر مثبت و معناداری دارد ($\beta = 0.393, P < 0.001$). بنابراین

بین سبک‌های دلبستگی با کیفیت زندگی در زنان خیانت دیده شده با نقش میانجی حمایت‌های اجتماعی رابطه غیرمستقیم وجود دارد.

جدول ۴: نتایج بوت استرپ برای مسیرهای غیر مستقیم الگوی پیشنهادی

مسیر	اثر غیرمستقیم	خطا	حد پایین	حد بالا	مقدار احتمال
سبک دلبستگی ایمن به کیفیت زندگی از طریق حمایت‌های اجتماعی	۰/۱۰۹۲	۰/۰۳۷۰	۰/۰۵۹۶	۰/۱۸۳۲	<۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اجتنابی به کیفیت زندگی از طریق حمایت‌های اجتماعی	-۰/۱۳۲۶	۰/۰۵۲۲	-۰/۲۱۱۹	-۰/۰۸۱۱	<۰/۰۰۱
سبک دلبستگی اضطرابی به کیفیت زندگی از طریق حمایت‌های اجتماعی	-۰/۰۸۲۲	۰/۰۲۳۰	-۰/۱۴۱۱	-۰/۰۳۹۰	<۰/۰۰۱

آزمون بوت استرپ نیز نشان داد که این رابطه غیرمستقیم در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار می‌باشد. بنابراین سبک دلبستگی اضطرابی از طریق حمایت‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی در زنان خیانت دیده شده اثر غیرمستقیم دارد و میزان اثر غیرمستقیم آن برابر $۰/۰۸۲۲$ است.

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، تدوین مدل ساختاری کیفیت زندگی زنان خیانت‌دیده بر اساس نامالیامات دوران کودکی و سبک‌های دلبستگی با نقش واسطه‌ای حمایت‌های اجتماعی بود. یافته‌های حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار است و مسیرهای فرض شده بین متغیرهای پژوهش مورد تأیید قرار گرفتند. این نتایج بر اهمیت تأثیرات ترکیبی عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در تعیین کیفیت زندگی زنان آسیب‌دیده از خیانت تأکید دارد.

یافته‌های پژوهش نشان دادند که تجارب ناخوشایند و نامالیامات دوران کودکی، همچون بدرفتاری عاطفی، غفلت و طرد، تأثیر مستقیم و منفی بر کیفیت زندگی زنان خیانت‌دیده دارند. این نتیجه هم‌راستا با مطالعات (Chapman et al., 2004)، (Georgieva et al. و Downey & Crummy (2022) است که بر نقش آسیب‌های اولیه دوران کودکی در کاهش سلامت روان و افزایش خطر ابتلا به افسردگی، اضطراب و مشکلات روابط بین فردی در بزرگسالی تأکید کرده‌اند. تجارب دوران کودکی در شکل‌گیری طرح‌واره‌های ناسازگار و سبک‌های ارتباطی ناکارآمد نقش دارند و ممکن است فرد را در چرخه‌ای از روابط آسیب‌زا از جمله روابط همراه با خیانت قرار دهند (Ghiasi et al., 2024).

از دیگر یافته‌های مهم پژوهش آن است که سبک‌های دلبستگی ناایمن نقش منفی و قابل توجهی در پیش‌بینی کیفیت زندگی ایفا می‌کنند. افراد دارای دلبستگی اضطرابی معمولاً دچار

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، حد پایین فاصله اطمینان برای حمایت‌های اجتماعی به‌عنوان متغیر میانجی بین سبک دلبستگی ایمن و کیفیت زندگی در زنان خیانت دیده شده ($۰/۰۵۹۶$) و حد بالای آن ($۰/۱۸۳۲$) است. سطح اطمینان برای این فاصله اطمینان ۹۵% و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استرپ ۵۰۰۰ است. با توجه به اینکه صفر بیرون از این فاصله اطمینان قرار می‌گیرد، رابطه غیرمستقیم بین متغیرها معنادار می‌باشد. علاوه بر این، نتایج آزمون بوت استرپ نیز نشان داد که این رابطه غیرمستقیم در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار می‌باشد. بنابراین سبک دلبستگی ایمن از طریق حمایت‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی در زنان خیانت دیده شده اثر غیرمستقیم دارد و میزان اثر غیرمستقیم آن برابر $۰/۱۰۹۲$ است.

هم‌چنین، حد پایین فاصله اطمینان برای حمایت‌های اجتماعی به‌عنوان متغیر میانجی بین سبک دلبستگی اجتنابی و کیفیت زندگی در زنان خیانت دیده شده ($-۰/۲۱۱۹$) و حد بالای آن ($-۰/۰۸۱۱$) است. سطح اطمینان برای این فاصله اطمینان ۹۵% و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استرپ ۵۰۰۰ است. با توجه به اینکه صفر بیرون از این فاصله اطمینان قرار می‌گیرد، رابطه غیرمستقیم بین متغیرها معنادار می‌باشد. علاوه بر این، نتایج آزمون بوت استرپ نیز نشان داد که این رابطه غیرمستقیم در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار می‌باشد. بنابراین سبک دلبستگی اجتنابی از طریق حمایت‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی در زنان خیانت دیده شده اثر غیرمستقیم دارد و میزان اثر غیرمستقیم آن برابر $-۰/۱۳۲۶$ است.

هم‌چنین، حد پایین فاصله اطمینان برای حمایت‌های اجتماعی به‌عنوان متغیر میانجی بین سبک دلبستگی اضطرابی و کیفیت زندگی در زنان خیانت دیده شده ($-۰/۱۴۱۱$) و حد بالای آن ($-۰/۰۳۹۰$) است. سطح اطمینان برای این فاصله اطمینان ۹۵% و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استرپ ۵۰۰۰ است. با توجه به اینکه صفر بیرون از این فاصله اطمینان قرار می‌گیرد، رابطه غیرمستقیم بین متغیرها معنادار می‌باشد. علاوه بر این، نتایج

تجارب زیسته (تروماهای کودکی)، سبک‌های ارتباطی (دلبستگی) و منابع بین‌فردی (حمایت اجتماعی) است. این یافته‌ها با رویکردهای تلفیقی جدید در درمان خیانت و مشکلات زوجی نیز همخوانی دارد که تأکید دارند درمان تنها معطوف به علائم نیست، بلکه باید بر گذشته فرد، سبک‌های دلبستگی او و محیط اجتماعی تأثیرگذار تمرکز داشته باشد (Barraca & Polanski, 2021).

در جمع‌بندی می‌توان گفت که:

ناملازمات دوران کودکی و سبک‌های دلبستگی تأثیر مستقیم بر کیفیت زندگی زنان خیانت‌دیده دارند؛

حمایت اجتماعی می‌تواند به عنوان یک متغیر واسطه‌ای مؤثر، نقش تعدیل‌کننده‌ای در این روابط ایفا کند؛

افراد با دلبستگی ایمن بیشتر از حمایت اجتماعی برخوردارند و در نتیجه کیفیت زندگی مطلوب‌تری را تجربه می‌کنند؛

طراحی مداخلات روان‌شناختی مبتنی بر بازسازی سبک دلبستگی و تقویت شبکه حمایت اجتماعی برای این زنان ضروری است.

بر اساس این نتایج، توصیه می‌شود مشاوران و روان‌درمانگران در مداخلات خود به تقویت دلبستگی ایمن، بازسازی روابط حمایتی، و پردازش تروماهای دوران کودکی بپردازند. همچنین سیاست‌گذاران حوزه سلامت روان می‌توانند با حمایت از زنان آسیب‌دیده، زمینه ارتقاء سلامت روانی و کیفیت زندگی این گروه را فراهم آورند.

موازن اخلاقی

در این مطالعه اصول اخلاق در پژوهش شامل اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و حفظ اطلاعات محرمانه آنها رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از کلیه شرکت‌کنندگان این پژوهش که با استقبال و بردباری، در روند استخراج نتایج همکاری نمودند، اعلام می‌دارند.

تعارض منافع

نویسندگان این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند.

منابع فارسی

احمدی، ماردپور، محمودی، آرمن. (۱۳۹۸). بررسی اثربخشی روایت‌درمانی بر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، افزایش کیفیت

وابستگی عاطفی شدید، ترس از طرد و حساسیت هیجانی بالا هستند. این ویژگی‌ها آنان را در برابر شکست عاطفی و خیانت آسیب‌پذیر می‌کند. از سوی دیگر، افراد دارای دلبستگی اجتنابی، گرایش به خودبستگی افراطی و طرد هیجانی دارند که این ویژگی‌ها نیز مانع شکل‌گیری روابط حمایتی سالم می‌شود (Dorasamy & Dorasamy, 2019; Bozoyan & Schmiedeberg, 2023). این یافته‌ها در تطابق کامل با نتایج مطالعات سیستماتیک (Ghiasi et al. (2024) و تحلیل‌های نظری Balbi (به نقل از خوشابی و ابوحمزه، ۱۳۸۶) است که سبک‌های دلبستگی را الگوهایی پایدار در تنظیم هیجانات و تعاملات اجتماعی می‌دانند.

تحلیل مدل نشان داد که حمایت اجتماعی نقش واسطه‌ای معناداری در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تجارب آسیب‌زای کودکی با کیفیت زندگی ایفا می‌کند. زنانی که علی‌رغم سبک دلبستگی ناایمن یا گذشته‌ی پر از آسیب، از حمایت اجتماعی بالایی برخوردار بودند، کیفیت زندگی بهتری گزارش کردند. این یافته مطابق با پژوهش‌های (Kent et al., Majani et al. (2023) و (Mahmoudpour et al. (2020) است که حمایت اجتماعی را یک متغیر تعدیل‌گر مؤثر در مقابله با استرس‌های شدید روانی و اجتماعی دانسته‌اند. حمایت اجتماعی، چه از سوی خانواده، دوستان یا جامعه، می‌تواند با افزایش حس تعلق، اعتماد به نفس و تاب‌آوری روانی، اثرات مخرب خیانت و آسیب‌های کودکی را کاهش دهد.

همچنین، نتایج نشان داد که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن از حمایت اجتماعی بالاتری برخوردارند. این یافته با مطالعات (Bakhtiar et al. (2021) و (Ghiasi et al. (2024) همسوست که تأکید دارند افراد ایمن در ایجاد و حفظ روابط معنادار و حمایتگر موفق‌تر هستند. این افراد تمایل بیشتری برای درخواست کمک، بیان احساسات و ایجاد روابط صمیمی دارند که به نوبه خود کیفیت زندگی آن‌ها را ارتقا می‌دهد.

از دیگر نتایج قابل توجه پژوهش، رابطه منفی میان ناملازمات دوران کودکی و حمایت اجتماعی است. زنانی که در کودکی طرد، غفلت یا سوءرفتار تجربه کرده‌اند، در بزرگسالی نیز احتمال بیشتری دارد که دچار مشکلات اعتماد بین‌فردی و ناتوانی در دریافت یا شکل‌دادن به روابط حمایتگر شوند (Chapman et al., 2004; Downey & Crummy, 2022). بنابراین، آسیب‌های اولیه می‌توانند هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم (از طریق تضعیف حمایت اجتماعی) به کاهش کیفیت زندگی در این گروه منجر شوند.

این پژوهش همچنین نشان داد که کیفیت زندگی، تنها تابع یک متغیر روان‌شناختی نیست، بلکه حاصل تعامل پیچیده‌ای میان

- childhood trauma in couples with a history of infidelity. *Clinical Psychology and Counseling Research*, 12(2), 47–64. [Persian]
- Bakhtiari, E., Hosseini, S. S., Arefi, M., & Afsharinia, K. (2021). The mediating role of marital intimacy in the relationship between attachment style and couples' attitude towards infidelity. *Journal of Counseling Research*.
- Bakhtiari, E., Hosseini, S., Arefi, M., & Afsharinia, K. (2021). The mediating role of marital intimacy in the relationship between attachment styles and attitudes toward marital infidelity. *Counseling Research*, 20(77), 122–140. [Persian]
- Barraca, J., & Polanski, T. X. (2021). Infidelity treatment from an integrative behavioral couple therapy perspective: Explanatory model and intervention strategies. *Journal of Marital and Family Therapy*, 47(4), 909–924.
- Bozoyan, C., & Schmiedeborg, C. (2023). What is infidelity? A vignette study on norms and attitudes toward infidelity. *The Journal of Sex Research*, 60(8), 1090–1099.
- Chapman, D. P., Whitfield, C. L., Felitti, V. J., Dube, S. R., Edwards, V. J., & Anda, R. F. (2004). Adverse childhood experiences and the risk of depressive disorders in adulthood. *Journal of affective disorders*, 82(2), 217–225.
- Dorasamy, J., & Dorasamy, J. (2019). Infidelity and attachment styles. *Think India Journal*, 22(4), 3972–3986.
- Downey, C., & Crummy, A. (2022). The impact of childhood trauma on children's wellbeing and adult behavior. *European Journal of Trauma & Dissociation*, 6(1), 100237.
- Ferdowsi, M. (2019). Predicting attitudes toward marital infidelity based on attachment style, relationship quality and marital behaviors. *Contemporary Psychology*, 13(2), 149–157. [Persian]
- Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current Opinion in Psychology*, 13, 70–74.
- Georgieva, S., Tomas, J. M., & Navarro-Pérez, J. J. (2021). Systematic review and critical appraisal of Childhood Trauma Questionnaire-Short Form (CTQ-SF). *Child Abuse & Neglect*, 120, 105223.
- زندگی و رضایت زناشویی در زوجین متقاضی طلاق. فصلنامه علمی روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۱۰(۳۶): ۸۵–۶۷
- بختیاری، انسیه؛ حسینی، سعیده؛ عارفی، مختار؛ افشاری‌نیا، کریم. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرش به خیانت زناشویی. پژوهش‌های مشاوره، ۲۰(۷۷)، ۱۲۲–۱۴۰.
- خسروی، انیسه؛ حیدرنیا، احمد؛ نظیفی، نسرين. (۱۳۹۸). نقش نگرش مذهبی در نگرش به خیانت زناشویی با میانجی‌گری بهزیستی ذهنی در زنان متأهل. پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت، ۵(۳): ۲۸–۱۳
- رضادوست، م. (۱۳۸۸). روان‌شناسی دوستی. در: روان‌شناسی روابط بین‌فردی. تهران: سمت.
- عزیزپور، ص.، رضاپور میرصالح، م.، و متقی، ف. (۱۴۰۱). بررسی ابعاد رفتاری و فیزیکی آسیب‌های دوران کودکی در زوجین دارای سابقه‌ی تعهدشکنی. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱۲(۲): ۶۴–۴۷
- علوی لواسانی، ا.س.، احمدی طهور سلطانی، م.، و محسن. (۱۳۹۶). همبستگی بدرفتاری در کودکی با طلاق عاطفی: نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و دشواری در تنظیم هیجان. مدیریت ارتقای سلامت، ۶(۴): ۵۸–۴۹
- فردوسی، م. (۱۳۹۸). پیش‌بینی نگرش به خیانت زناشویی بر اساس سبک دلبستگی، کیفیت روابط و رفتارهای زناشویی. روان‌شناسی معاصر، ۱۳(۲): ۱۵۷–۱۴۹
- کرمانی، م.، و دوکانه‌ای‌فرد، س. (۱۳۹۹). مدل ساختاری مناسب برای پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین بر اساس سبک دلبستگی و شادکامی با میانجی‌گری عملکرد خانوادگی. مجله دانشکده پزشکی اصفهان، ۳۸(۵۹۳): ۷۲۰–۷۱۴

فهرست منابع

- Ahmadi, M., Mardepour, A., Mahmoudi, F., & Armin. (2019). The effectiveness of narrative therapy on early maladaptive schemas, increasing quality of life and marital satisfaction in couples seeking divorce. *Scientific Quarterly of Psychological Methods and Models*, 10(36), 67–85. [Persian]
- Alavi Lavasani, E. S., Ahmadi Tahoore Soltani, M., & Mohsen. (2017). The correlation of childhood maltreatment with emotional divorce: The mediating role of attachment styles, early maladaptive schemas and difficulty in emotion regulation. *Health Promotion Management*, 6(4), 49–58. [Persian]
- Azizpour, S., Rezapour Mirsaleh, M., & Motaghi, F. (2022). Investigating the behavioral and physical dimensions of

- mediation of subjective well-being in married women. *Positive Psychology Research*, 5(3), 13–28. [Persian]
- Mahmoudpour, A., Dehghanpour, S., Ijadi, S., & Yousefi, M. (2020). Predicting marital intimacy in women based on mindfulness, conflict resolution patterns, perceived social support, and social well-being. *Journal of Social Psychology Studies*, 39(10), 83–102.
- Majani, A. F., Ghazali, S. R., Yoke Yong, C., Pauzi, N., Adenan, F., & Manogaran, K. (2023). Marital conflict, trauma exposure, posttraumatic stress disorder, and depressive symptoms among Malaysian firefighters. *Psychological Reports*, 126(4), 1605–1619.
- Rezadoost, M. (2009). *Psychology of friendship*. In *Psychology of interpersonal relationships*. Tehran: SAMT Publications. [Persian]
- Ghiasi, N., Rasool, D., Haseli, A., & Feli, R. (2024). The interplay of attachment styles and marital infidelity: A systematic review and meta-analysis. *Heliyon*.
- Haraldstad, K., Wahl, A., Andenæs, R., Andersen, J. R., Andersen, M. H., Beisland, E., ... & LIVSFORSK network. (2019). A systematic review of quality of life research in medicine and health sciences. *Quality of Life Research*, 28, 2641–2650.
- Kent, B. V., Bradshaw, M., & Uecker, J. E. (2018). Forgiveness, attachment to God, and mental health outcomes in older US adults: A longitudinal study. *Research on Aging*, 40(5), 456–479.
- Kermani, M., & Dokaneifard, S. (2020). An appropriate structural model for predicting marital satisfaction of couples based on attachment style and happiness with the mediation of family functioning. *Journal of Isfahan Medical School*, 38(593), 714–720. [Persian]
- Khosravi, A., Heydarnia, A., & Nazifi, N. (2019). The role of religious attitude in attitude toward marital infidelity with the

